

# دین شناسی معاصر

مجید محمدی

## فهرست

|     |  |
|-----|--|
| ۷   | مقدمه اول: تحقیقات دین شناختی: پیش فرضها و کاستیها |
| ۱۵  | مقدمه دوم: صورت                                    |
| ۲۳  | مقدمه سوم: محتوی                                   |
| ۳۱  | ۱. دین شناسی میرزای نائینی                         |
| ۵۹  | ۲. دین شناسی شریعتی                                |
| ۱۰۵ | ۳. دین شناسی مطهری                                 |
| ۱۹۱ | ۴. دین شناسی بازرگان                               |
| ۳۰۷ | ۵. دین شناسی نصر                                   |
| ۳۴۵ | ۶. دین شناسی سروش                                  |



## مقدمه اول

### تحقیقات دین‌شناختی: پیش‌فرضها و کاستیها

دوران معاصر ایران را باید دوران جوانه زنی تحقیقات دینی با روشهای علمی و مسئله‌شناسانه نامید. چرا که از یک سو تحولات سیاسی و اجتماعی مبتنی بر دین و نارضامندیها و رضامندیها اذهان بسیار را به تعمیق اندیشه‌ها و باورها تحریک کرده است و از سوی دیگر کلام وقفه سنتی به زعم گروههایی - فراتر از درستی و نادرستی - از «کارایی» لازم در صحنه عمل برخوردار نبوده‌اند، به نحوی که نمی‌توان همه مسائل و مباحث موجود را در چارچوب آنها دنبال کرد. این واقعیات به دو نتیجه انجامیده است: (۱) ترجمه آثار روزآمدتر در مورد دین و تحولات دینی و (۲) روی آوردن به مطالعه دین و ادیان به طور کلی، تاریخ ادیان، فلسفه دین و مطالعات موضوعی.

رشد آن جوانه‌ها به مقدمات و لوازم زیر نیازمند است که برخی به روش تحقیق متوجه هستند و برخی به چگونگی پیشرفت آن، و برخی نیز موانع را از پیش پای محقق برمی‌دارند:

الف: تحقیق تاریخی: دین، باورها و آراء دینی و نهادهای مربوط به آن در جامعه ایران به دلیل مطلق‌انگاشته شدن عمدتاً به نحو ایستا مطالعه شده‌اند. اگر فردی به مطالعه کلام می‌پرداخته، دو یا چند کتاب از قرن

هفتم یا دهم یا چهاردهم را مطالعه می‌کرده و بیشترین کار او فهم بهتر آنها بوده است. ولی به هیچ وجه مکانیسم پویایی و تحول آراء کلامی مطالعه نمی‌شده است؛ یا در حوزه فقه و اصول نیز کتب متفاوتی از دوره‌های مختلف مطالعه می‌شده‌اند و تلاشی در جهت مقایسه یا پی‌گیری تحولات صورت نمی‌گرفته است. به همین دلیل است که در مباحث و معارف دینی تئوری تحول به چشم نمی‌آید. نبودن تئوری، خود تحولات را نیز جسته و گریخته جلوه می‌داده است. گرچه می‌پذیریم که رابطه‌ای ضروری میان تحول در جهان واقعی و نظریه تحول وجود ندارد، اما وجود نظریه تحول می‌تواند آن را سازمان یافته و پایدار کند.

در سخنی که گفتیم فرض شده است که دین همچون عوامل اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی تاریخ بشر را تحت تأثیر قرار داده و خود نیز از عوامل واقعی تأثیر پذیرفته است. این تأثیر و تأثر بخصوص از جهت تمایل دین به سازماندهی جمعیتها و انجمنها و فِرَق قابل توجه است. این نهادهای دینی را می‌بایست با همان شاخصها و معیارهایی مطالعه کرد که امور واقعی دیگر در جهان با آنها مطالعه می‌شوند.

در تحقیق تاریخی آنچه اهمیت دارد تحول، مکانیسم تحول، چرایی تحول و غایت تحول است. این مسائل نیز همان طور که گفته شد به نظریه تحولی نیاز دارد که همه داده‌های تاریخی و فراز و نشیبها را تحت پوشش قرار دهد.

ب: تحقیق زمینی - خاکی: ادیان جزء پدیده‌هایی هستند که سری در آسمان و پایی در زمین دارند. عمده مطالعات اندک دینی در جامعه ایران سر آسمانی را مد نظر قرار می‌داده‌اند: از ماهیت دین به طور کلی می‌پرسیده‌اند، انتظار از دین را بررسی می‌کرده‌اند (وجه «دین» این انتظار، و نه وجه «انتظار» آن)، از کمال دین تحقیق می‌کرده‌اند، و رابطه آن

دین کلی و انتزاعی را با فلسفه، عرفان، علم و دیگر معارف و فنون بشری مطالعه می کرده اند. در صورتی که می توان از دینی که در میان مردم هست و به خاک هبوط کرده، از عرفهای دینی مردم و عالمان دینی و از نهادهای دینی پرسید. دین (علاوه بر وجه ماوراءالطبیعی آن) همچون اندیشیدن، احساس کردن، خواستن و دوست داشتن قابل مطالعه است.

دو چشم انداز و نقطه نظر به زمینی - خاکی شدن تحقیقات دینی یاری می رساند: (۱) این که از دین هم می توان مانند هر چیز دیگری بهره برداریهای ناسوتی کرد. دین نیز مانند هر آن چیزی که مورد توجه مردم است و مردم آن را گرانقدر می دانند قابلیت تبدیل شدن به ابزار را دارد. از این ابزار می توان در سیاست، هنر، پیشبرد مقاصد اجتماعی و هر قلمرو دیگری استفاده کرد (وجه منفی آن یا به اصطلاح بعضی «سوء استفاده» ضرورتاً مورد نظر نیست) که البته هرگونه استفاده ابزاری از دین، بر خود آن مؤثر می افتد. (۲) رنگ و بوی خاکی دین را در حاملان آن نیز می توان دنبال کرد؛ در مواردی که حاملان دین جنگجویان بوده اند وجه خشونت بار بیشتری به خود گرفته است. در مناطقی که حاملان دین اهل تجارت و بازرگانی بوده اند دین وجه حقوقی یا تساهل آمیز بیشتری یافته است. همچنین می توان از دین فلسفیون، عالمان تجربی، عرفا، ادبا و غیر آنها سخن گفت که هر جا هر یک از این گروهها به عنوان عالمان یا حاملان دین مطرح بوده اند دین مردم رنگ و بوی آنها را به خود می گرفته است. به همین دلیل تعابیر و پدیده های دینی نیز قابل تفسیر و تعبیرهای گوناگون می شوند: خدای رفاه طلب و خدای ریاضت جو، خدای دو گروه از مردم هستند (با توجه به سطوح و مراتب آن) که به هر یک از این دو گرایش بیشتری دارند. همچنین اهل صلح و اهل جنگ اگر بخواهند دیندار باشند بیشتر بر خدای صلح طلب یا خدای جنگ طلب تأکید خواهند کرد.

ج: تحقیق مقایسه‌ای - تطبیقی: اگر محقق در مقام تحقیق از مطلق بودن حقیقت یک دین و مطلق بودن بطلان ادیان دیگر دست بشوید، آنگاه می‌توان ادیان گوناگون را با هم مقایسه کرد و از مشابهتها و تفاوت‌های آنها در تحقیقات دینی بهره برد. به عنوان نمونه گفته شده است که خدای ادیان ابراهیمی خدایی مشخص است و خدای ادیان آسیای جنوب شرقی و هند (بودائیسیم، شینتوئیسم، تائوئیسم و ...) خدایی نامتشخص است (و این نکته نیز با مقایسه این ادیان به چنگ می‌آید). حال می‌توان تأثیر این متشخص بودن یا نامتشخص بودن خدا را بر رفتار دینی مردم، تجربه‌های دینی دینداران، رابطه میان دین و دیگر حوزه‌های عملی و علمی بشر و امثال آنها پی گرفت. همچنین سیر تحول ادیان را می‌توان با هم مقایسه کرد و بدین وسیله به دامن زدن به تحول در یک قلمرو دینی خاص دست زد یا آن را پیش‌بینی کرد. نهادهای دینی ادیان گوناگون نیز هم از نظر کارکردها و ساختها و هم از نظر سیر تحول با هم قابل مقایسه یا تطبیق هستند.

د: تحقیق توصیفی - گزارشی: دین در جوامع شرقی عمدتاً سازنده و مقوم نظامهای ارزشی و حقوقی بوده است و تحقیق و مطالعه نیز بیشتر متوجه‌شان ارزشی آن بوده است. این ارزشی دیدن دین (که بخشهایی از آن این چنین هم هستند) به ارزشی دیدن تحقیق هم منجر شده است؛ به این معنا که تحقیق هم به دفاع یا رد آراء و عقاید متوجه شده است. می‌توان از نظام ارزشی دین گزارش داد؛ می‌توان تعارض علم و دین یا تعارض دین و فلسفه و انواع ظهور و بروز آن را توصیف کرد و از آن طرف می‌توان از نظام ارزشی ادیان یا دینی خاص دفاع کرد یا تعارض علم و دین را محکوم نمود. تحقیق توصیفی - گزارشی یک مرتبه ما را به تحقیق علمی در مورد دین نزدیک‌تر می‌کند. تحقیقاتی مثل دین‌شناسی معاصر در این مسیر قرار می‌گیرند.

ه: تحقیق براساس مفاهمه: تحقیق، رشد اندیشه‌ها و نقد و داوری و بررسی، در گفتگو و مفاهمه میان محققین است که شکل می‌گیرد. در اینجا مراد فقط تحقیق گروهی بدین معنا نیست که کار به دلیل بزرگی میان افراد تقسیم شود، بلکه غرض آن است که کار هر چند هم کوچک باشد به نحو فردی امکان پذیر نیست. افکار و اندیشه‌ها در برخوردها و نقدها و هم‌فکریها رشد می‌کنند، محک می‌خورند و صیقل می‌یابند. بسیاری از سؤالات جدید در همین تضارب آراء پدید می‌آیند و بسیاری از افراد در مفاهمه است که بجد با بحث درگیر می‌شوند.

و: تحقیق فرا-ایدئولوژیک: تحقیق دینی در جامعه ایران هنوز در عصر ایدئولوژیک است. به این معنی که دو سؤال مهم ایدئولوژیها یعنی خلوص و توانایی است که در مورد دین مطرح می‌شود. تحقیق فرا-ایدئولوژیک از یک سو می‌تواند به دین شناسانی متکی باشد که بتوانند «شخصیت محقق» خود را از «شخصیت معتقد» خود تفکیک کرده و متمایز سازند و به مسائل ایدئولوژیک از نگاه محققانه بنگرند و از سوی دیگر به موضوعاتی اصولاً غیر ایدئولوژیک مانند «ماهیت دین» (که برای هر کسی می‌تواند مطرح باشد)، «نیاز به دین»، «چگونگی نگاه افراد به دین» یا «وجوه عقلانی، ارزشی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی دین» توجه شود. پیش فرض موضوع آخر ذو وجوه دانستن خود دین است.

\* \* \*

شش عنوان فوق دارای لوازمی به شرح زیر هستند:

۱- دنبال کردن تحولات در آراء دینی و پی‌جویی روشهای جدید در تحقیق دین مستلزم دنبال کردن تحولات دینی و روشی در همه حوزه‌های مطالعاتی در آن سوی مرزهاست.

۲- آسیب شناسی فکر، باور، جامعه یا حکومت دینی از لوازم خاکی یا

زمینی دیدن مطالعات دینی است.

۳ - شناخت جریان‌ات موجود در اندیشه و باورهای دینی و پذیرش واقع‌بینانه تنوع نتیجه مستقیم تحقیق فرا-ایدئولوژیک است. چرا که ایدئولوژی «فی نفسه» یک جریان را بر حق دانسته و دیگر جریانها را از محدوده دین خارج می‌کند و این دیگر کمتر دغدغه‌ای برای مطالعه و تحقیق باقی می‌گذارد.

۴ - استفاده از روشهای میدانی یا اسنادی مطالعه، لازمه تحقیقات گزارشی - توصیفی است.

\* \* \*

چهارگونه مطالعه در دین متصور است که محققین ایرانی در هر چهار حوزه یا در آغاز کار هستند، یا آغاز نکرده‌اند، یا اگر کاری انجام داده‌اند از نظر روش‌شناسی دارای مشکل بوده است:

۱ - مطالعات حوزه‌ای - تاریخی: این مطالعات ادیان زنده و باستانی را بر اساس ارتباطات و پیوندهایی که عمدتاً مبتنی بر جغرافیا هستند بررسی کرده و از دو نگاه تاریخی و ساختی - کارکردی آنها را بررسی می‌کند. مطالعه در باب ادیان آفریقایی، ادیان آفریقایی - آمریکایی، ادیان شرق دور، ادیان استرالیایی، ادیان بالتیک، سلتیک، کارائیبی، چینی، مصری، یونانی، هندی، کره‌ای، ژاپنی، ایرانی، اسلاوی، تراسی، تبتی و امثال آنها در این بخش قرار می‌گیرد.

۲ - مطالعات موضوعی: موضوعاتی مانند وحی، مکاشفه، شیطان، خدا، فرشته، روح، زن، انسان، نیایش و... هم در حوزه یک دین قابل مطالعه‌اند و هم در حوزه ادیان گوناگون. همچنین با الگوها و ایده‌های جدید می‌توان به سراغ مطالعه این مباحث رفت و نکات تازه‌ای از متون و باورهای دینی استخراج کرد.



۳- مطالعات میان رشته‌ای: این مطالعات را از چند جهت می‌توان «میان رشته‌ای» نامید: (۱) بررسی یک موضوع یا پدیده خاص دینی از نگاه یک معرفت دیگر: مانند مطالعه خدا در فلسفه، بحث پیرامون کارکردهای اجتماعی مسجد یا نهاد روحانیت، بررسی حکومت پیامبر در چارچوب اندیشه سیاسی یا نظریه‌های سیاسی، مطالعه وحی از دیدگاه تجربه‌های عرفانی و... (۲) بررسی یک موضوع فلسفی، هنری، علمی، جامعه‌شناختی و امثال آنها در چارچوب معارف دینی؛ مانند بحث از عقل‌گرایی، حقوق بشر، خشونت در سینما، تکامل جانداران، حرکت زمین، جواز دادائیسیم و... در چارچوب دین. سؤالات یا موضوعاتی که بر دین عرضه می‌شوند نیز در این قلمرو قرار می‌گیرند (سؤالات سنتی عمدتاً، پاسخهای سنتی دارند و در مطالعات مرتبه اول چندان جایی ندارند). (۳) بررسی مقایسه‌ای دو قلمرو کلی معرفت بشری که یکی از آنها معرفت دینی باشد؛ مانند علم و دین (شامل فیزیک و دین و...)، فلسفه و دین، عرفان و دین و... یا دو نوع تجربه؛ مانند تجربه دینی و تجربه عرفانی، تجربه دینی و تجربه هنری، تجربه دینی و تجربه علمی.

۴- مطالعات مرتبه دوم: در مطالعات مرتبه دوم، ما به مطالعه و بررسی مطالعات مرتبه اول از حیث روش شناسی، مبادی و مبانی، پیش‌فرضها، الگوها، چگونگی تبیینها و غایات می‌پردازیم. فلسفه دین و معرفت‌شناسی معارف دینی در گروه همین مطالعات مرتبه دوم قرار می‌گیرند.

از این چهار دسته، مطالعات حوزه‌ای - تاریخی هنوز در ایران آغاز نشده است، بجز آنکه مطالعاتی در ادیان ایرانی یا ادیان سامی انجام شده است. مطالعات موضوعی عمدتاً پیرامون اسلام صورت گرفته ولی روشها عمدتاً تازه و جدید نیستند. مطالعات میان رشته‌ای آغاز شده و در حال

گسترش است ولی عمدتاً وجه کلامی دارند و تحقیق بماهو تحقیق نیستند بلکه تحقیق بماهو پاسخ هستند. مطالعات مرتبه دوم هم پیش از انجام دقیق مطالعات مرتبه اول در حال گسترش هستند و جذابیت این گونه مطالعات افرادی را به خود جذب می‌کند. همانگونه که هنگامی می‌توان فلسفه علوم اجتماعی داشت که خود علوم اجتماعی وجود و قوت داشته باشند، فلسفه دین یا فلسفه علم دین هم هنگامی معنی دارد که خود علم دین وجود و رونق داشته باشد. معارف هم مانند دیگر موجودات طبیعی دارای یک رشد طبیعی هستند؛ نه یک‌شبه متولد می‌شوند و نه یک‌شبه بالغ می‌شوند.

## مقدمهٔ دوم

### صورت

#### ۱. قلمرو

در «دین‌شناسی معاصر» سه قلمرو قابل تصور است. قلمرو اول بررسی دین توده‌های مردم است. در این بررسی که در چارچوب «مردم‌شناسی فرهنگی» یا «جامعه‌شناسی دین» صورت می‌گیرد از چرایی، چگونگی، انواع، غایات و کارکردهای دین تودهٔ مردم پرسیده و تحقیق می‌شود. قلمرو دوم، بررسی دین حاکمان (دین دربار یا دین روحانیون حاکم) یا اقلیتهای رقیب آنهاست. در این قلمرو فرض شده است که صفت قدرت یا ثروت منتهی به قدرت، حامل ویژگیهایی است که در صورت‌بندی و چگونگی باورها، اعتقادات و رفتار دینی مؤثر می‌افتد. و بالاخره قلمرو سوم بررسی دیدگاه دینی یا رفتار دینی عالمان دینی (به مفهوم اعم آن یعنی کسی که این موضوع و مسئله تحقیق او قرار می‌گیرد) است. در این قلمرو تاریخ پیدایش و تکامل اندیشه‌هایی که در اوان ظهور از تازگی یا کارایی برخوردار بوده‌اند و وضعیت کنونی آنها بررسی می‌شود.

بحث ما در دین‌شناسی قلمرو سوم را دربرمی‌گیرد چرا که

۱) تصورات و اندیشه‌ها در سطح عامه از ارزش ماهوی برخوردار نیستند (مبتنی بر خودآگاهی نیستند) و چندانکه به کار تحقیق علمی بیاید، روشن و متمایز نشده‌اند. کار در این قلمرو نیز در نهایت به بیان مکانیکی اقوال و آراء پراکنده منتهی می‌شود. ولی بحث از تأثیر و کارکردهای باورهای مردم بر رفتار آنها و نیز برخورد دین یک بحث جدی است که در چارچوب «دین‌شناسی معاصر» قرار نمی‌گیرد. ۲) تصورات دینی اقلیت حاکم اگر تفاوتی هم با معتقدات و اعمال دو گروه دیگر یعنی عوام و عالمان دینی داشته باشد این تفاوت از جهت دینی بودن ناچیز است. البته در یک بحث سیاسی و در قلمرو «فرهنگ سیاسی»، سخن گفتن از دین خاص یا مورد نظر اقلیت حاکم جالب توجه یا ضروری است، اما در مبحث و گزارش «دین‌شناسی معاصر» ضرورت چندانی پیدا نمی‌کند. در بحث از دین حاکمان بیشتر باید به اعمال دینی و کارکردهای دین پرداخت تا آراء و عقاید دینی. ۳) اگر در بحث از عالمان دینی خود را به یک صنف و گروه اجتماعی خاص محدود نکنیم می‌توان پوشش عموم نظریات و عقاید را ادعا کرد. بحث از آراء یک گروه اجتماعی به عنوان باورها و آراء یک دین یا حتی یک مکتب فکری و فلسفی، بحث را از چارچوب عقاید و آراء به بحث از رفتار حزبی یا گروهی یا حداکثر ایدئولوژی آنان (که باید به دنبال یک نوع آن نیز بود) می‌کشاند. به همین دلیل قلمرو سوم ما را از جامع‌نگری دیدگاه‌های دینی در دوره‌ای خاص باز نمی‌دارد.

## ۲. عرصه

عرصه مطالعه ما در «دین‌شناسی معاصر»، ایران است. ایران از جهات عدیده دارای یک هویت فرهنگی مستقل است: ۱) فرهنگ ایرانی و فارسی با سنتها، شعائر، آداب، زبان و دانشهایی که رنگ خاص این